

تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی و بررسی مصداق آن در آیین‌های عاشورایی

مهران علی‌الحسابی^{۱*}، عصمت پای‌کن^۲

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
^۲ کارشناس ارشد طراحی شهری

(تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۶/۳۰)

چکیده

آیین‌ها را می‌توان به آداب و رسومی تعبیر کرد که طی سال‌های طولانی شکل گرفته‌اند و روابط و مناسبات انسان‌ها با جامعه، محیط و تاریخ و نیز روابط میان شهروندان را در فضایی نمادین تعریف و تنظیم می‌کنند. آیین‌ها ریشه در باورها، احساسات و هویت اجتماعی مردم دارند و به همین دلیل، اغلب، برگزاری آن‌ها به شکلی خودانگیخته از سوی افراد جامعه صورت می‌پذیرد. آیین از یک سو به مثابه فعالیتی اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ با فضاست، بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر به مثابه پدیده‌ای فرهنگی، قابلیت حمل روابط اجتماعی و فرهنگی را در شهر دارد. از این رو، آیین را می‌توان پدیده‌ای فضایی و به تبع آن پدیده‌ای شهری دانست. بنابراین آیین‌های جمعی همواره در تعامل با شهر، رد و اثر خود را بر کالبد و محتوای آن برجای گذاشته‌اند. مقاله حاضر در پی شناسایی نحوه ارتباط میان شهر و آیین‌های جمعی است. بدین منظور با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و در قالب مطالعه‌ای کیفی، با شناخت ماهیت آیین‌های جمعی و بررسی دیدگاه‌های موجود شهرسازی در باره موضوع، مدل مفهومی چگونگی این تعامل ارائه گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آیین‌های جمعی به عنوان کنشی اجتماعی، نمادین و تکرارپذیر، از طریق چهار معیار آزادی، تداوم، ارتباط و انطباق بر سه مؤلفه اصلی شهر، کالبد، معنا و فعالیت تأثیر می‌گذارند. در نهایت نیز به منظور تدقیق و تصدیق یافته‌های پژوهش، با استفاده از چارچوب مفهومی به دست آمده، نقش آیین‌های عاشورایی به عنوان وسیع‌ترین و تأثیرگذارترین آیین جمعی بر معنا، فعالیت و کالبد شهر ایرانی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: آیین‌های جمعی، کالبد شهر، معنا، فعالیت، آیین‌های عاشورایی.

(Douglas, 1968). هدف از انجام آیین به تعبیر میرچا الیاده تکرار نمادین عملی است که در سرآغاز و ازل رخ داده و مبانی اعتقادی و ضرورت‌های اجتماعی عمیقی در پس آن نهفته است (الیاده، ۱۳۷۵). بنابراین، آیین با مرزبندی بین امور و با قاب‌بندی لحظه‌ها، جامعه را از نظر فضا و زمان علامت‌گذاری می‌کند (گیویان، ۱۳۸۵). در مجموع شاید بتوان این گونه بیان داشت که «آیین اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی سزاوار به منظور تأثیرگذاری نمادین یا مشارکت در زندگی جدی طراحی شده است» (رودنبولر، ۱۳۸۷: ۶۸).

در یکی از تقسیم‌بندی‌های مهم، آیین‌ها به دو دسته عمده «مراسم‌گذار» و «آیین‌های تقویت» تقسیم می‌شوند. آیین‌های نوع دوم معمولاً معطوف به طبیعت یا کل جامعه هستند. هدف این دسته از آیین‌ها تقویت یا تحکیم فراگردهایی است که برای بقای جامعه ضرورت دارند یا در جهت تأیید دوباره پایبندی جامعه به ارزش‌ها و باورداشت‌های خاص عمل می‌کنند (بیتس، ۱۳۷۵).

بیش‌تر مکاتب فکری و رشته‌های گوناگون علوم مربوطه، ریشه و علل شکل‌گیری آیین‌ها را عموماً در دو دسته جای داده‌اند؛ بنیاد بر خردی از آیین‌ها صرفاً بر اسطوره‌ها و پنداشت‌های افسانه‌ای و برخی دیگر بر وقایع و رخداد‌های تاریخی است (پاراحمدی، ۱۳۸۷). «آیین‌های مبتنی بر اسطوره، یک شکل نمایشی از پندارهای ذهن ابتدایی در جوامع و تفسیر و تعبیر عینی و عملی اندیشه‌های سازنده این پندارهاست در صورتی که آیین‌های مبتنی بر واقع‌های تاریخی شکل نمایشی رفتارهایی هستند که در بیرون از ذهن و پندار مردم و در حیات تاریخی - اجتماعی جامعه رخ داده‌اند و مردم در آن رویدادها شرکت داشته، یا شاهد آن بوده‌اند» (بلوکباشی، ۱۳۸۳: ۴۸).

مراسم آیینی، زمان اساطیری را در هر لحظه باز می‌آفریند و وقایع ازلی را از نو تجدید می‌نمایند. زمان اساطیری بر خلاف زمان منطقی، زمانی مملو از خصایص و کیفیت‌های گوناگون است و در هر لحظه زمانی به سبب رویداد حادثه آیینی خاص یا واقعه دینی، کیفیت‌های خاص و مرموز می‌پذیرد که آن لحظه به خصوص را از لحظه‌های دیگر متمایز می‌کند (نصرآبادی، ۱۳۸۸).

شکی نیست که مراسم آیینی در بطن خود نمایشی دراماتیک به همراه دارد. در این نمایش‌ها نه فقط بازیگر عهده‌دار نقش است، بلکه تماشاگران نیز در آن سهم دارند (شهبازی، ۱۳۸۷).

برای انسان دوران باستان که آیین را برای تنظیم رابطه‌اش با جمع، طبیعت و ماورای طبیعت به وجود آورده بود، آیین‌ها کارکردهایی نظیر روش تعلیم مؤثرتر، مهار حوادث احتمالی آینده و بزرگداشت چیزی بود و حتی می‌توانست سرگرم‌کننده باشد (رهبین، ۱۳۸۳). اما انسان‌شناسی معاصر، تمرکز خود را بر اجتماع نهاده و بر اهمیت آیین در همه جوامع تأکید دارد. دورکهایم معتقد است همه ادیان متضمن اعمال تشریفاتی و شعائری منظم هستند که در آن گروهی از مؤمنان گردهم می‌آیند. در مراسم تشریفات جمعی، حس همبستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود (خرمشاهی، ۱۳۷۲ و گیدنز، ۱۳۷۶). از نظر دورکهایم آیین‌ها برای یادآوری اهمیت گروه نسبت به افراد، ضروری بوده و جامعه همواره به آیین‌ها نیاز داشته است. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی

با قبول شهر به عنوان موجود زنده دیگر نمی‌توان تنها به بعد ظاهری و کالبدی آن نگریست. با این رویکرد، شهر دارای بعد محتوایی نیز هست که از ابعاد تاریخی، اجتماعی و هویتی انسان‌ها سرچشمه گرفته است. آیین‌ها طیف وسیعی از رفتار و اعمال اجتماعی افراد را در جوامع پوشش می‌دهند که با هویت فردی و جمعی شهروندان گره خورده و عامل ایجاد نوعی پیوند میان انسان، کالبد، تاریخ و فضا بوده است. درک ناصحیح و عدم توجه کافی به این موضوع در طرح‌های شهری امروزی منجر به از هم گسیختگی ساخت اجتماعی، از ساخت کالبدی - فضایی و در نتیجه از دست رفتن سرمایه‌های هویتی - مذهبی و شکل‌گیری فضاهای نامطلوب شهری شده است. از این رو، مقاله حاضر در پی دست‌یابی به نحوه تعامل آیین‌های جمعی با شهر است تا بتوان در ارائه راهکارهای شهری به آن توجه داشت و از آن بهره جست. این مقاله شامل دو بخش است: در بخش اول ابتدا برای استخراج ویژگی‌های کلان آیین‌ها با مراجعه به اسناد، مدارک و مطالعات کتابخانه‌ای، مفهوم، انواع و کارکرد آیین‌ها در حوزه عام آن توصیف و تشریح شده است. سپس با بررسی نظریه‌های اندیشمندان شهرسازی، در مورد حرکت‌های جمعی و بر اساس ویژگی‌های استخراج‌شده از بخش پیش، تأثیرات این حرکت‌ها در کالبد و محتوای شهر و با استفاده از هنجارهای شهری بررسی شده است. در بخش دوم، آیین‌های عاشورایی به عنوان اصیل‌ترین جلوه سنت‌های ایرانی - اسلامی که فضای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شهر را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و در عین حال به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ساختار شهر مطرح شده است.

۱. آیین‌های جمعی؛ تعاریف، مفاهیم و کارکردها

آیین، توافقی دسته جمعی یا شکل اجتماعی رفتاری با سطح بالایی از شدت، اشتیاق و احساسات است که این ویژگی‌ها می‌تواند به دلیل عملکرد آن به عنوان رابط میان امر مقدس و نامقدس باشد (Kanekar, 1992). در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، آیین به عمل تشریفاتی گفته می‌شود که دربردارنده معانی دینی مقدس است (Durkheim, 1956). باکوک معتقد است آیین عملی است همراه با نمایش جسمانی که مرتبط با نمادهاست (Bocock, 1974). گافمن آیین را به طور گسترده و وسیع در نظر گرفت و آن را در تمامی کنش‌های متقابل اجتماعی روزمره زندگی مشاهده کرد. فیشور و مارکوس آیین‌ها را متونی ساخته‌شده توسط فرهنگ می‌دانند که به نیت معنابخشی به تجربه‌ها قرائت می‌شوند (گیویان، ۱۳۸۵). ترنر بیان می‌کند که آیین‌ها، ابزارهای قدرت‌مندی برای واشکافی لایه‌های تو در تو نمایش اجتماعی هستند؛ چرا که عمیق‌ترین و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی را که این نمایش اجتماعی در آن تعبیه شده است و در آن به اجرا در می‌آید، آشکار می‌کنند (Termer, 1984). مری داگلاس معتقد است که آیین با قاب‌بندی امور، به طریقی خاص جلب توجه می‌کند، خاطرات را احیا می‌کند و اکنون را به قرائتی خاص از گذشته پیوند می‌زند

و به عقیده ترنر جایگزینی مداوم این دو ضامن بقا و همبستگی جامعه است (Turner, 1966).

در مجموع و به طور خلاصه کارکرد آیین در جوامع امروزی را می‌توان گردهم آوردن مردم در فواصل زمانی منظم و حفظ خطوط ارتباط و همکاری آن‌ها، فراهم آوردن زمینه تقویت و تأیید دوباره پایبندی جامعه به ارزش‌ها و باورداشت‌های خاص، ارائه حمایت روانی و کاهش اضطراب و کشمکش‌های اجتماعی بین اعضای جامعه، تحکیم نظارت اجتماعی از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی، انتقال غیرمستقیم ارزش‌ها و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر، ایجاد تعادل اخلاقی در جامعه، تحکیم هویت اجتماعی و ابزاری برای نشان دادن مقاومت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانست (عابدی، ۱۳۸۵ و غراب، ۱۳۸۳).

اگرچه در ادبیات آیین‌شناسی، تعاریف و مفاهیم گسترده‌ای از آیین‌ها وجود دارد و اجماعی در تعریف آیین مشاهده نمی‌شود، با بررسی دقیق مفاهیم موجود می‌توان به سه ویژگی اصلی و بنیادین آیین‌ها دست یافت که در بین مفاهیم موجود مشترک هستند. این ویژگی‌های اصلی در جدول زیر آمده است.

گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۷).

تفسیرهای بعدی کارکردگرایان از جمله رادکلیف براون بر اهمیت آیین به منظور اطمینان‌بخشی به تداوم ساختارهای اجتماعی تأکید می‌ورزد. راپاپورت با تحلیلی بوم‌شناسانه بیان می‌نماید که آیین به حفظ محیطی سالم کمک می‌کند. ادموند لیچ و مری داوگلاس تحلیل‌های خود را بر آیین به مثابه ارتباط متمرکز کرده و به اهمیت نمادهای آیینی برای تشریح و تجربه وقایع تأکید کرده‌اند. ماکس گلوکمان، مکتب منچستر و نیز ویکتور ترنر به شکلی عام‌تر توجه خود را به آیین به مثابه عنصری در حفظ ایستایی و برابری و درک آیین هم‌چون فرآیندی فعال معطوف کرده‌اند (الیاده، ۱۳۷۲). ترنر آیین را اجرایی عمومی، رخدادی ارتباطی و کارکردی می‌داند که تلاش می‌کند شقاق را در جامعه جبران نماید (ترنر، ۱۹۶۷). او جامعه را به مثابه فرآیندی دیالکتیکی می‌بیند که طی آن نظم^۱ و بی‌نظمی^۲ مدام جایگزین هم می‌شوند. مراد ترنر از نظم همان ساختار هنجارمحور و نهادمند جامعه در حالت عادی است که با اجرای آیین و در طول آن به ضدساختاری بی‌ریخت و بی‌نهاد تبدیل می‌شود. ساختار، دوره‌ای طولانی است و ضدساختار بسیار زودگذر است

جدول شماره ۱: ویژگی‌های اصلی آیین‌های جمعی بر اساس نظریه‌های موجود در حوزه عام، با ذکر منابع مورد استناد

ویژگی اصلی آیین	نظریه‌ها و مبانی موجود در ارتباط با آیین‌ها
الگوی رفتاری، کنش و نمایشی اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - کنش نه تنها یک اندیشه (رودنبولر) - عملی مبتنی بر تصورات از پیش موجود و همواره اجراشونده برای دیگران (رودنبولر) - توافقی دسته جمعی یا شکل اجتماعی رفتار با سطح بالای احساسات (Kanekar) - به عنوان شکلی از ارتباط (Kanekar) - عملی همراه با نمایش جسمانی (Bocock) - متونی ساخته شده توسط فرهنگ (فیشر و مارکوس) - وا شکافی لایه‌های تو در تو نمایش اجتماعی (Turner) - دربردارنده ضرورت‌های اجتماعی عمیق (الیاده) - اجرای داوطلبانه رفتار به شکلی سزاوار (رودنبولر) - اجرای عمومی، رخدادی ارتباطی و کارکردی (Turner) - مسبب ابقا و احیای میراث اجتماعی گروه (Durkheim) - فراهم کننده زمینه تقویت و تأیید دوباره پایبندی جامعه به ارزش‌ها - کنشی داوطلبانه و انتخاب شیوه مشارکت در آن (اجراکننده آیین یا شاهد آن) (رودنبولر) - معطوف به گروه و واجد معانی اجتماعی (شیوه‌ای از دلالت بر انجام نیت به طور اجتماعی جهت یافته)
تکرارپذیری رویداد در زمان و مکانی مشخص	<ul style="list-style-type: none"> - احیا و تجلی خاطرات پیوندخورده با رویداد، شخص یا مکانی خاص (Kanekar) - بازآفرینی خاطرات جمعی (Kanekar) - قرائت به نیت معنا بخشی به تجربه‌ها (فیشر و مارکوس) - احیاکننده خاطرات و ارتباط‌دهنده اکنون به قرائتی خاص از گذشته (Douglas) - رفتاری به طور مرتب تکرار شونده، نه به دلیل موقعیت ویژه امور بلکه به واسطه واقعیت‌ها (رودنبولر) - انتقال ارزش‌های پایدار به نسل‌های آینده - تکرار واقعه در فواصل زمانی منظم (الیاده)
برخوردار از ماهیتی نمادین و استعاری	<ul style="list-style-type: none"> - کنشی بسیار نمادین (غراب) - رابط میان امر مقدس و نامقدس (Kanekar) - تکرار نمادین عملی ازلی (الیاده) - دربردارنده معانی دینی مقدس و مبانی اعتقادی عمیق (Durkheim) - عملی مرتبط با نمادها (Bocock) - علامت گذاری جامعه از نظر فضا و زمان (رودنبولر) - نشان دهنده واقعیتی مقدس در عمل (الیاده) - خلق زمان و مکانی مقدس (الیاده) - تأثیر گذاری نمادین در زندگی جدی و بیان نمادین نظم‌های اجتماعی (رودنبولر) - وسیله تجسم و تجدد عینیت بخشیدن به اعتقادات و ایدئولوژی‌ها (Durkheim) - نمادهای آیینی وسیله‌ای برای تشریح و تجربه وقایع (لیچ و داگلاس) - آشکار کننده درونی ارزش‌های فرهنگی (Turner)

۲. نگاه به آیین به مثابه پدیده‌ای شهری

تنگتنگ با آن است، بر آن تأثیر می‌گذارد، از آن تأثیر می‌پذیرد و حتی به خلق فضا منجر می‌شود. دوم آن که آیین به مثابه پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی، قابلیت حمل روابط اجتماعی و فرهنگی را دارد و از آن جایی که شهر نوع خاصی از سازمان یافتگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می‌شود و به عنوان فضایی کالبدی در ارتباط مستقیم با فضای اجتماعی است، در نتیجه آیین را می‌توان پدیده‌ای فضایی و به تبع آن پدیده‌ای شهری دانست.

۳. بررسی نظریه‌های اندیشمندان حوزه شهرسازی در ارتباط با موضوع

دستیابی به نحوه تعامل آیین‌های جمعی با شهر و کیفیت‌های محیطی مطرح در آن در قالب مدلی مفهومی، علاوه بر بررسی مباحث نظری موجود از آیین‌های جمعی، نیازمند بررسی نظریه‌های اندیشمندان حوزه شهرسازی و استخراج هنجارها و معیارهای مطرح شده توسط آنان در ارتباط با کیفیات محیطی مرتبط با موضوع است. از این رو به بررسی دیدگاه اندیشمندان حوزه شهرسازی در ارتباط با موضوع پرداخته شد که مهم‌ترین عناوین و هنجارهای قابل برداشت از آن‌ها در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

۴. در جستجوی چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین‌های جمعی

آیین‌های جمعی به عنوان کنشی اجتماعی همواره در طول تاریخ در پیوند با شهر و فضاهای آن بوده است. در این باره مطالعاتی چند به انجام رسیده است؛ از آن جمله: جاده جشن آتنا در شهر آتن به عنوان ستون فقرات شهر و درون‌مایه توسعه اصلی آتن (Parke, 1977: 22)، (بیکن، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۴)، (Egli, 1959: 171)، کارناوال باستانی شهر رم و تأثیر آن بر شکل‌گیری سازمان فضایی شهر و ایجاد عناصر آیینی به عنوان نشانه‌های اصلی شهر (Kanekar, 1992: 31-42)، (موریس، ۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۹۰)، مراسم پالیو در شهر سی‌ینا و تأثیر آن بر هویت شهری و سازمان‌یابی میدان اصلی شهر و ایجاد جاذبه‌های گردشگری فرهنگی (Burchhardt, 1960: 137)، Jackson, 2006: 124-122)، (Drechsler, 2006: 47)، (Bornberg, 2007: 22-28) و آیین‌های مذهبی شهر بختاپور نپال و تأثیر آن در ایجاد مکان‌های شهری، یکپارچگی فضایی آن و القای معانی ویژه در شهر (Gutschow, 1980: 60)، (Kanekar, 1992: 87-96).

دستیابی به نحوه تعامل آیین‌های جمعی با شهر و کیفیت‌های محیطی مطرح در آن در قالب مدلی مفهومی، پس از مراجعه به مطالعات پیشین نیازمند نتیجه‌گیری از مباحث نظری تشریح شده در این پژوهش است. از این رو، برای تدوین مدل مفهومی، پس از مطالعه نظریه‌های حوزه شهرسازی، هنجارها و معیارهای مطرح شده در آن‌ها در مورد کیفیت‌های محیطی مرتبط با موضوع استخراج گردید. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان این هنجارها را در چند دسته جای داد. دسته‌بندی صورت پذیرفته نشان می‌دهد که هنجارهای مطرح‌شده در قالب چهار گروه «تداوم»، «ارتباط»، «آزادی» و «انطباق» قابل دسته‌بندی است؛ این طبقه‌بندی در جدول زیر قابل مشاهده است.

همان‌طور که کاترین بل (۱۹۹۲) اشاره می‌کند، مطالعات آیینی به چند حوزه توجه خاص داشته است. دوره کلاسیک آن بیش‌تر دارای رویکردی مذهبی بوده است. رویکردهای کارکردگرایانه در جامعه‌شناسی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی به آیین‌ها توجه دارند. مردم‌شناسان نمادگرا به آیین به عنوان پایه و اساس پویایی فرهنگی توجه می‌کنند. در میان این پیشینه طولانی جای مباحث تحلیل فضایی آیین‌ها خالی است. آدری ریچاردس (۱۹۵۶) معتقد است آیین‌ها عموماً شرکت‌کنندگان در مراسم را با تحرک فیزیکی و فعالیت، ارتباط فعال و غیر فعال، معرفت باطنی و ظاهری و معمولاً در حالت‌های عمیق احساسی درگیر می‌کنند. از آن جایی که تحرک و فعالیت فیزیکی بدون وجوه فضایی غیرقابل فهم است، تعریف ریچاردس بیانگر رابطه مستقیمی میان آیین و فضا است، اما به‌طور دقیق رابطه میان آیین و وجوه فضایی آن را تشریح نمی‌کند (مسعودی‌نژاد، ۱۳۸۸).

دیوید پارکین (۱۹۹۲) معتقد است که آیین‌ها به‌طور اساسی فعالیت فیزیکی هستند و بخش کلامی آیین اختیاری و قابل جایگزین شدن است. آن‌چه پارکین با وجود آمیختگی اجرای آیین و کلام به آن به عنوان اصل بنیادی توجه دارد، فضا مندی مراسم در آیین است. پارکین تشریح می‌کند که در آیین تحرک و فعالیت فیزیکی و در نتیجه وجوه فضایی ارجح است. بنابراین رابطه میان آیین و فضا می‌تواند از دو منظر دیده شود: از منظر اول آیین‌ها به فضا و مکان مربوط می‌شوند و از منظر دوم آیین به عنوان پدیده‌ای فضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. منظر دوم آیین را به‌طور بنیادی پدیده‌ای فضایی وابسته به تحرک فیزیکی در میان فضا تشریح می‌کند. از این رو، آیین‌ها هسته هویت اجتماعی و ذاتاً موضوعی فضایی هستند (Parkin, 1992).

چنین استدلالی در مقایسه با تعاریف موجود از فضا، خود را نمایان می‌سازد. از دید هانری لوفور فضا مشتمل بر سه بعد فیزیکی، ذهنی و اجتماعی است و در میان این ابعاد، فضای اجتماعی و نقش بازیگران و روابط میان آن‌ها بسیار خاص است و به دلیل سیال بودن و تنوع موقعیت‌ها، نیازها و روابط، امکان ایجاد تغییر و تحول پیاپی و حتی خلق و تولید فضا توسط کنشگران فعال در آن وجود دارد. بر این اساس، فضای اجتماعی در نظر لوفور، آن چیزی است که در بطن تجربه انسان‌ها، در زندگی روزمره و فرهنگ حاکم بر آن‌ها، شکل می‌گیرد و بر اساس تأثیری که از فضای فیزیکی می‌گیرد و البته در عین حال تأثیری که بر آن می‌گذارد، بسیار متفاوت است (فکوهی، ۱۳۸۳). فضای شهری به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا از مقوله فضا مستثنا نیست. ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه‌ای پویا با یکدیگر دارند و فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی است (مدنی پور، ۱۳۷۹). «فضای شهری، عرصه ایفای نقش بازیگرانی است که هریک به عنوان کنشگرانی از جامعه خود محسوب می‌شوند» (بحرینی، ۱۳۷۷: ۳۱۳). فضای شهری، بستر مشترکی است که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است در آن انجام می‌دهند؛ صحنه‌ای است که بر روی آن نمایش زندگی جمعی، در معرض دید قرار می‌گیرد (صالحی، ۱۳۸۷).

بنابراین می‌توان چنین برداشت نمود که اولاً آیین به مثابه فعالیت اجتماعی نه فقط نیازمند فضا است، بلکه در ارتباط

جدول شماره ۲: نظریه‌های صاحب‌نظران حوزه شهرسازی در ارتباط با موضوع، با ذکر منابع مورد استناد

معیارها (هنجارها)	دیدگاه
کامیلو زیتنه	- بازگشت به شیوه‌های هنری قرون وسطی، - درصدد ایجاد فضاهای غنی از هنر و زندگی (زیتنه، ۱۳۸۵).
لوئیس مامفورد	- تعریف شهر به عنوان نهاد اجتماعی، - توجه به ابعاد تاریخی و فرهنگی شهر، - شهر، بستر فرهنگ‌سازی و نمایشی از فعالیت‌های اجتماعی، - توجه به شاخصه‌های کیفی و انسانی شهر (مشکلانی، ۱۳۹۰).
کنزو تانگه	- دستیابی به مفاهیم و ارزش‌های انسانی از طریق نمادگرایی، - ایجاد ارتباط میان محیط فیزیکی و دنیای ماوراءالطبیعه (فناوری نوین و انسانیت) (پاکزاد، ۱۳۸۹).
آلدوفان آیک	- توجه به لایه‌های تاریخی و گذشته در طراحی، - شهر به عنوان بستر رویدادهای پدیدری، - استفاده از دو واژه «مکان» و «رویداد» به جای «فضا» و «زمان» (پاکزاد، ۱۳۸۹).
کوبین لینچ	- توجه به اهمیت انسان و فعالیت‌هایش بیش از عناصر کالبدی، - استفاده از تداوم فرهنگی و پیوند زمانی و مکانی با محیط در تعریف «شهر خوب»، - ارتباط شهروندان با تجارب، معانی و خاطرات خود در شهر (لینچ، ۱۳۷۴، ۱۳۸۱).
لارنس هالپرن	- بیش‌ترین تعامل میان مردم و محیط شهری و فراهم نمودن محیطی خلاق با گونه‌گونی زیاد به عنوان هدف نهایی شهر، - تعریف شهر به مثابه مجموعه پیچیده‌ای از رویدادها و خارج از هرگونه برنامه از پیش تعیین شده، - توجه به تجربه فضایی انسان‌ها و نقش مردم و حرکت‌های آن‌ها در ماندگاری شهر، - شهر دستاورد هنر خلاقانه‌ای از اجتماع و نیازمند حضور پیوسته و پرتنوعی تمام شهروندان (Halprin, 1972). حبیب، ۱۳۸۸، پاکزاد، ۱۳۸۹).
ادوارد هال	- تأکید بر فرهنگ به‌عنوان بعدی بسیار مهم از زندگی اجتماعی و تأثیرگذار در پیدایش سکونتگاه‌ها، - توجه به مسأله همجواری و نیازهای ارتباطی آن در فضا و مکان و طراحی و برنامه‌ریزی بر مبنای آن، - توجه به انسان با تمامی بعدهای پیوسته‌اش از جمله خانه، شهر (هال، ۱۳۷۶).
آلدروسی	- معماری به عنوان فرآیندی پیونددهنده گذشته به آینده، - شهر دستاورد ناخودآگاه جمعی و صحنه فعالیت و سرشار از عواطف و احساسات چندین نسل، - تأکید بر نقش عوامل فرهنگی در شکل‌گیری ساختار شهر، - شهر صحنه رخداد فعالیت‌های انسانی و هر رویدادی است که دارای خاطره از گذشته بوده یا خاصیت بالقوه خاطره شدن داشته باشد، - آیین‌های جمعی به عنوان عامل پویای احیای خاطرات گذشته (پاکزاد، ۱۳۸۶ - Kanekar, 1992).
ادموند بیکن	- نقش تعیین کننده بشر در پیدایش شهر، - تأکید بر نقش طراح شهری در فراهم کردن زمینه‌ای در خور به منظور هماهنگی تجربه زندگی، به معنای تجربه فضاها در پیوند با هم و در ظرف زمان، - تعریف معماری به‌عنوان «بیان‌کننده فضا» و ایجادکننده تجربه‌ای معین از فضا در شرکت‌کننده، در ارتباط با تجارب پیشین و آتی او، - تشخیص وجود نیروهای پیونددهنده کل شهر و عامل وحدت فرم در شهرهای قدیمی از جمله «نظام‌های حرکتی» جشن آتنا در آتن، - رابطه انسان و محیط، برآیند کنش دوسویه، عاطفه، ادراک و ... (بیکن، ۱۳۸۶).
ملوین وبر	- شهر اصلی‌ترین مکان تولید و توزیع عقاید و در نتیجه مرکز رشد فرهنگ (مشکلانی، ۱۳۹۰).
آموس راپاپورت	- توجه به فرهنگ به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌دهی به سامانه‌های فعالیت‌ی آدم‌ها و در پی آن سکونتگاه‌ها (فرم شهر بازتابی از قواعد شکل‌یافته به‌وسیله فرهنگ)، - اشاره به اهمیت مذهب در بین همه عوامل منشأ عملکردهای انتظام‌بخش مجتمع‌های زیستی (به علت رابطه میان منشأ شهرها با نمادهای مقدس؛ به عبارت دیگر، عمل نظم‌دهی، سمبلیک است و مذهب و امور مقدس در تمامی فرهنگ‌های زیستی، که شهرها و مراکز سکونتی از آنجا آغاز شده، نقش مرکزی دارند) (راپاپورت، ۱۳۶۶).
نوربرگ شولتز	- تبیین شهر به‌عنوان مکانی برای دیدار و تعامل اجتماعی و سرشار از تنوع و گوناگونی، - تبیین فضای شهری به‌عنوان صحنه سکونت جمعی و عرصه گردآوری انسان‌ها به‌رغم اختلافات‌شان، - توانایی شهر در ایجاد فرصت دیدار و گزینش برای آدمیان و در نتیجه عرضه‌کننده گونه‌ای حس تعلق در آنان، - تأکید بر نقش و میزان مشارکت انسان در هویت‌بخشی به مکان به‌عنوان عاملی در ایجاد هویت فردی (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۸۶).

معیارها (هنجارها)	دیدگاه	ادوارد رلف	جان فریدمن	یان گل	کریستوفر الکساندر
معناهدنگی به محیط انطباق با رویدادها و تجربه‌ها نمادین بودن ماندگاری و پویایی ارتباط مکان و تعاملات جمعی ارتباط مکان و باورها و نیت‌های انسانی	<p>- تعریف فضای وجودی به معنای تجربه‌ای از فضا توسط عضو گروه فرهنگی،</p> <p>- تقسیم‌بندی فضای وجودی به دو فضای «جغرافیایی» و «مقدس»،</p> <p>- تشریح فضای مقدس به عنوان فضایی سرشار از نشانه‌ها و اشیای با معنا و بیانگر نگرش اعضای عضو آن فرهنگ به دنیای پیرامون‌شان و در قالب تجربه‌ها و معانی مقدس،</p> <p>- اشاره به نقش آیین‌ها و سنت‌ها در ایجاد حس ماندگاری و تأکید بر مرگ مکان در صورت از بین رفتن این سنت‌ها و آیین‌ها،</p> <p>- تأکید بر رابطه اجتماع و مکان (مکان را بیش از هر چیز می‌توان تظاهر و بیان کالبدی باورها و ارزش‌ها تعاملات و تعهدات دوسویه میان افراد اجتماع دانست)،</p> <p>- شناخته شدن مکان‌ها بر پایه اعمال و فعالیت‌های مشترک و همچنین اشتراک در نشانه‌ها و معناهای همگانی شناخته شده،</p> <p>- مکان مرکز گردآورنده تجربه‌های انسان از رویدادهای پرمعنای وجودش در دنیا،</p> <p>- وابستگی معنی مکان‌ها به فرهنگ و مردم با علایق و تجارب متنوع و نظرات مختلف‌شان،</p> <p>- تشریح مکان به عنوان گردآورنده نیت‌ها (جوهر مکان در نیت‌مندی ناخودآگاهانه‌ای است که مکان را به عنوان مرکز وجود انسان تعریف می‌کند) (پاکزاد، ۱۳۸۸).</p>	<p>- توجیه بر سه نمونه دارای انسانی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان مواردی از هفت دارای کلان شهر (محمدی، ۱۳۸۷).</p>	<p>- تعیین موضوع‌های مطرح در طراحی با اولویت «تخت زندگی، بعد فضا و سپس ساختمان‌ها»،</p> <p>- تأکید بر لزوم حضور و مشارکت دیگر شهروندان در ایجاد فعالیت‌های اجتماعی،</p> <p>- فعالیت‌های اجتماعی، دستاورد «کیفیت» و «طول مدت وقوع» (گل، ۱۳۸۷).</p>	<p>- حصول هویت هر مکان از تکرار پدیدری الگوهای ویژه از رویدادها در آن مکان،</p> <p>- روح هر فضا و همه ادراک انسان در فضا نه تنها به محیط کالبدی آن بلکه به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آنجا رخ می‌دهد،</p> <p>- هر فرهنگ همواره الگوهای رویدادی خود را با نام عناصر کالبدی فضا، آنگونه که در آن فرهنگ متداول شده است، مشخص می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۱).</p>	
مشارکت جمعی در فضا پویایی فضا امکان زندگی اجتماعی					
هویت‌بخشی متأثر از رویدادها ارتباط کالبد و فرهنگ حس مکان					

جدول شماره ۳: استخراج معیارهای کلان حوزه شهرسازی در ارتباط با موضوع

هنجارهای هم‌بسته اول	هنجارهای هم‌بسته دوم	هنجارهای هم‌بسته سوم	هنجارهای هم‌بسته چهارم
همانگی با زمینه، حس مکان، حس زمان، پویایی و ماندگاری، پیوستگی زمان و مکان، ارتباط کالبد و فرهنگ، تداوم کالبدی، تداوم زمانی.	هویت‌بخشی، نمادین بودن، خاطره انگیزی، نقش‌انگیزی ذهنی، هویت‌بخشی متأثر از رویدادها، ارتباط مکان و باورها و نیت‌های انسانی، معناهدنگی به محیط، حس تعلق، رشد فرهنگ، انتظام‌گیرنده توسط مذهب و فرهنگ، ارتباط ثروت ملی و فرهنگ جمعی.	سرزندگی و فعالیت، شهروندمداری، تجمع‌پذیری، امکان زندگی اجتماعی، مشارکت جمعی در فضا، مشارکت و تجربه جمعی، تنوع و گوناگونی، تعامل اجتماعی، جمعی بودن، پیوستگی فضای کالبدی و اجتماعی، سازگاری، پویایی فضا.	انطباق با نیازها، انطباق با رویدادها و تجربه‌ها، ارتباط مکان و تعاملات جمعی، ارتباط مکان و باورها و نیت‌های انسانی، انطباق فرم با فعالیت و فرهنگ، تعامل انسان با کالبد.

هنجارهای کلان	تداوم	ارتباط	آزادی	انطباق
---------------	-------	--------	-------	--------

می‌یابند، بر این سه جنبه از شهر تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. معیار "انطباق" نیز به عنوان هنجار میانی در بین هر سه بعد عمل می‌کند. نمودار زیر بیان روشن این پیوند است.

بررسی ویژگی‌های اصلی آیین‌های جمعی و هنجارهای کلان به دست آمده از نظریه‌های شهرسازی نشان می‌دهد که آیین‌های جمعی از طریق سه هنجار کلان "ارتباط"، "تداوم" و "آزادی" به ترتیب با سه بعد اصلی شهر یعنی "معنا"، "کالبد" و "فعالیت" پیوند

اغلب درون سازمان فضایی پیشین خود اجرا می‌گردند و به نوعی یادآور سازمان فضایی پیشین شهر هستند و تا حدی بخشی از آن را احیا می‌نمایند.

- مسیر حرکت‌های آیینی به تبع انطباق با سازمان فضایی در پیوند با فضاها و عناصر اصلی شهر بوده است.

- آیین‌های عاشورایی در مهم‌ترین و شاخص‌ترین فضاهای ایستا و پویای شهر اجرا شده است. در واقع مهم‌ترین میادین، ورودی‌های شهر، مراکز محله‌ها و بازار اصلی پذیرای این مراسم بوده‌اند. - شدت تأثیر آیین‌ها بر کالبد شهر تا اندازه‌ای بوده که منجر به خلق فضاهای عمومی آیینی در شهر گردیده است. مهم‌ترین فضاهای اجرای آیین‌های عاشورایی در ایران حسینیه‌ها و تکایا هستند.

- مسیرهای آیینی علاوه بر فضاها به وسیله نقاط عطف و نشانه‌های شاخص نشانه‌گذاری می‌شوند. در این مسیرها، آیین‌ها نقاط مکثی را پدید می‌آورند و برای آن نقاط هویتی ویژه ایجاد می‌کنند. این نقاط عموماً عبارتند از:

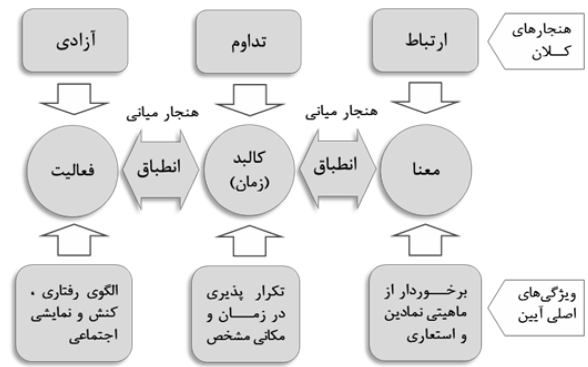
- زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس نظیر مساجد، امام‌زاده‌ها، قدم‌گاه‌ها، گورستان و ...
- عناصر طبیعی مقدس نظیر درخت، آب و ...
- نقاط ویژه نظیر محل نگهداری نخل، علم و مانند آن و نیز سقاخانه‌ها و ...

۵-۲. آیین‌های عاشورایی و بعد معنایی شهر

زمانی که آیین‌های عاشورایی اجرا می‌شوند، شهر رنگ و بویی دیگر به خود می‌گیرد. خیابان‌ها، میدان‌ها و فضاهای خاص به کمک عناصر، رنگ‌ها و نور در این ایام مورد تأکید قرار می‌گیرند و بدین طریق "منظرآرایی ویژه" به‌گونه‌ای آزاد، باورها و اعتقادهای جمعی را در فضای شهری به عینیت می‌کشاند و به دنبال آن "غنا بصری" را موجب می‌گردد که در کنار آهنگ و اصوات موزون و حرکت‌های نمایشی برخاسته از اجرای برخی آیین‌ها در ایام خاص "غنا حسی" را در فضای شهری به همراه دارد. در این بین، تلاش ساکنان برای دگرگونی منظر محله، کوچه یا محل سکونت خود قابل توجه است تا علاقه و ارادت خود را بر ایام و رویداد نشان دهند و به‌گونه‌ای "رنگ تعلق" به آن بخشند.

باید توجه داشت که چنین مکان‌هایی فقط مجموعه‌ای از امور عینی نیست، بلکه ترکیبی زیبا و آرامش‌بخش از عین و ذهن است که موجب هماهنگی فرد با محیط، بهره‌برداری بهتر از آن، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود؛ به عبارت دیگر، آیین‌ها پیوندی قوی با کیفیات ادراکی شهر برقرار می‌کنند و تأثیر عمیقی بر منظر ذهنی-ادارکی شهروندان برجای می‌گذارند.

آیین‌های عاشورایی به دلیل برگزاری در فضاهای عمومی، از نظر شکل‌دهی به "خاطرات جمعی"، مهم‌ترین مراسم مذهبی در شهرهای کشور محسوب می‌شود؛ به این دلیل که اولاً این واقعه در اصلی‌ترین فضاهای عمومی شهر نظیر مهم‌ترین خیابان‌ها، میادین و بازارهای شهر به وقوع می‌پیوندد. دوم آن که مشتمل بر واقعه‌ای خاص و برخاسته از باورهای ماندگار و اعتقادات مذهبی است که



نمودار شماره ۱: چارچوب مفهومی برای بررسی نحوه تعامل شهر و آیین‌های جمعی

۵. بررسی مصداق تعامل آیین‌های عاشورایی و شهر ایرانی

عاشورا در فرهنگ مذهبی شیعه جایگاه خاصی دارد و زمینه‌ساز مجموعه‌ای از سنت‌ها و مراسم است که به عنوان میراثی در بین تمامی نسل‌ها اجرا می‌گردد. آیین‌های عاشورایی تحت تأثیر دو منشأ واقعه کربلا و آیین‌ها و مراسم حوزه فرهنگی سرزمین ایران شکل گرفته و به دلیل قدمت، گستردگی، تنوع و تداوم، پویایی و تأثیرگذاری فرازمانی و فرامکانی مراسم و همچنین پیوند با نظام اعتقادات دینی همواره زنده و پویا مانده است. این دسته از آیین‌ها فراوانند و بسته به دیار و موقعیت سرزمینی گونه‌های مختلفی دارند. ادغام آیین‌های عزاداری با سنت‌های محلی و فرهنگی جوامع شیعی، دلیل اصلی تنوع و تکثر این آیین‌هاست.

۵-۱. آیین‌های عاشورایی و بعد کالبدی شهرهای ایران

یکی از بنیادی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر یا هر مجتمع زیستی، جهان‌بینی و تفکر انسان‌هایی است که آن را برای زیستن خویش می‌سازند. در این میان آیین به مثابه کنشی جمعی در پیوند با اعتقادات مذهبی بی‌تردید می‌تواند در تعامل با کالبد و ساختار فضایی مجتمع‌های زیستی باشد. مطالعات نشان می‌دهد که آیین‌ها گاه محیط کالبدی را شکل داده‌اند، الگوهایی خاص بر زمینه شهری اعمال نموده‌اند، محدوده‌هایی خاص را تعریف کرده و به فضاهای شهر شخصیتی ویژه بخشیده‌اند. آیین‌ها قادر هستند بخش‌های مختلف شهر را به یکدیگر پیوند دهند و از آن موجودی پیوسته و منحصر به وجود آورند. در شهرهای ایران نیز آیین‌های عاشورایی ردپای شاخصی از خود برجای گذاشته است. بررسی‌های حاصل از برخی شهرهای ایران حاکی از آن است که نمود کالبدی این آیین‌ها را می‌توان در قالب سه دسته "مسیرهای حرکتی"، "فضاهای ایستا و پویای آیین" و "نقاط عطف" گنجانند.

نتایج حاصل از این بررسی‌ها نشان می‌دهد که:

- مسیر حرکت آیین‌های عاشورایی در شهر همواره مشخص و تعیین شده هستند.

- مسیرهای آیینی در سالیان متمادی منطبق بر سازمان فضایی شهر بوده و در استخوان‌بندی آن جایگاهی ویژه داشته است.

- با توجه به توسعه شهرها در طول حیات آن‌ها و به تبع آن تحوّل در استخوان‌بندی و سازمان فضایی شهر، حرکت‌های آیینی

بسیاری از فضاهای شهری در اختیار افراد پیاده قرار می‌گیرد و افراد می‌توانند حضوری متفاوت و آزاد را در فضا تجربه نمایند.

از سویی دیگر، انجام آیین‌های عاشورایی زمینه و عاملی برای ظهور و بروز "وحدت اجتماعی" است. گزینش هر مکان، سپس گرایش به آن و هدف قرار دادن آن و آن‌گاه تلاش جمعی برای رسیدن به این هدف، وفاق اجتماعی و تجسم بخشیدن به آرمان‌های غیرملموس انسانی است.

هم‌چنین یکی از اصلی‌ترین وجوه اجرای آیین‌ها نظم در انجام آن است. به عنوان نمونه مسیر گرداندن علم، نوبت حرکت کردن هر نخل و نوبت ورود هر دسته به حسینیه همه مشخص و غیرقابل تغییر است. پایبندی به نظم و ترتیب رفتار آیینی و نحوه استفاده از فضاها به‌نوعی تمرین و یادگیری "نظم جمعی" در انجام هرگونه رفتاری، خارج از اجرای آیین‌ها در همان بستر و فضای شهری است. در کنار آن، مراسم عاشورا بستر "مشارکت" گستردهٔ اقشار متفاوت مردم از گروه‌هایی با سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی متفاوت است که نمونه آن را به ندرت می‌توان در نظام‌های اجتماعی به دست آورد. در زمان برگزاری آیین‌ها هر قشر و گروهی از مردم عهده‌دار نقشی می‌شوند و گروهی از خود مردم نیز این مشارکت جمعی را مدیریت و کنترل می‌نمایند. نکته قابل توجه علاقه و اهتمام گروه‌های گوناگون برای شرکت در بخش‌های مختلف اجرای آیین‌هاست؛ از نمونه بارز آن می‌توان به حضور زنان در برخی فعالیت‌های آیینی اشاره نمود.

بررسی‌های انجام شده در برخی شهرهای ایران نشان می‌دهد که قریب به اتفاق هیأت‌های عزاداری هنوز محله‌محور هستند؛ یعنی محله به‌عنوان یکی از عناصر اصلی ساختار شهر، حتی اگر نه به لحاظ کالبدی، جایگاه ذهنی مستحکمی دارد. هیأت‌های عزاداری گواهی بر ریشه‌های قوی ساختار محله‌ای در ذهن مردم هستند. محله‌ها به‌طور خودبه‌خودی به‌نوعی رهبری کاریزماتیک منتخب از اهالی گرایش دارند که عموماً همان مسئولان هیأت‌ها هستند که در برنامه‌ریزی نهادهای مشارکت مردمی می‌توانند نقش ارزنده‌ای ایفا کنند. جشن‌ها و آیین‌ها همواره این فرصت را برای جوامع محلی فراهم می‌آورند تا فرهنگ‌شان را توسعه دهند و زمینه را برای افزایش تجربه‌های فردی بسط دهند. آیین‌های عاشورایی دههٔ محرم در ایران می‌تواند به‌عنوان رخدادی مطرح شود که گردشگران، داخلی و خارجی، با بخشی از مذاهب و میراث معنوی فرهنگ جامعهٔ ایرانی آشنا شوند و تجربه کسب نمایند. تنوع موجود در نحوهٔ برگزاری آیین‌های عاشورایی در مناطق مختلف کشور این ظرفیت را تقویت می‌نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که آیین‌های عاشورایی بر اساس معیارهای گوناگونی با ابعاد مختلف شهر ارتباط دارد و بر آن تأثیر می‌گذارد؛ به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان نمود که:

- آیین‌های عاشورایی رد پای خود را بر کالبد بسیاری از شهرهای سنتی ایران برجای گذاشته و سازمان فضایی منسجم از مجموعه شبکه راه‌ها، فضاهای مطلوب و نقاط عطف را شکل داده است.

- آیین‌های عاشورایی به‌عنوان واقعه‌ای تکرارپذیر و برخوردار از ماهیت‌سستی نمادین، در ایام خاص منظره ویژه، غنی و متنوع ایجاد می‌نماید، تجربه‌های خاطره‌انگیز در فضای شهری به‌جای می‌گذارد،

دائماً در حال تکرار است، و سوم آن که واقعه و مکان اجرای آن در شهر با یکدیگر پیوندی عمیق دارند؛ به‌گونه‌ای که گاه فضای خاص آن واقعه شکل می‌گیرد و به‌دلیل شدت اجرا در اذهان نقش می‌بندد یا این که در ایام خاص تغییر و تحول می‌یابد و صحنه‌سازی می‌شود که در هر صورت خاطره شکل گرفته در فضای شهری را تحکیم می‌کند. از این رو، به هنگام اجرای آیین‌ها و به خصوص پس از آن، فضایی که واقعه در آن رخ داده است، فضایی آشنا می‌گردد. گذشت زمان به کالبد شهر هویت می‌بخشد و شهروندان به واسطهٔ فضاهای شهری مملو از خاطره‌های جمعی با گذشتهٔ فرهنگی و مذهبی ارتباط می‌یابند و "هویت" کسب می‌کنند.

آیین‌های عاشورا مشتمل بر حرکت‌ها و فعالیت‌های منحصربه‌فرد، متنوع و نمادینی است که به واسطهٔ نوع فعالیت و تجربهٔ درازمدت از حضور و ادراک فضا از مکان اجرای آن کسب "معنا" می‌کند و کسب معنا خود زمینه‌ساز "دلبستگی به مکان" است.

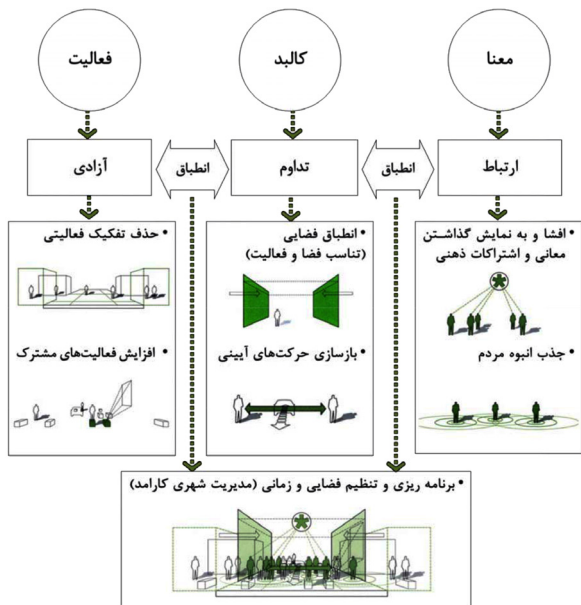
در زمان ویژهٔ برگزاری مراسم، برخی عناصر و ابزار خاص اجرای آیین‌ها نظیر نخل و امثال آن و علم‌ها از فضای بسته محل نگهداری خارج می‌شوند و برای مدتی در فضاهای شهری جای می‌گیرند و در برخی نواحی نیز پس از اتمام مراسم در حسینیه یا تکیه برجای می‌مانند. حضور آن‌ها در مهم‌ترین فضاهای عمومی سبب می‌شود به‌عنوان نشانهٔ شهری عمل نمایند. حضور آن‌ها به معنویت فضا می‌افزاید و فضایی متذکر می‌آفریند. در این صورت است که این عناصر نه تنها به‌عنوان نشانه بلکه به‌دلیل بار معنایی آن‌ها، به مثابه نماد، شناخته می‌شوند. به‌طور کلی، رفتارهای مذهبی و کاربرد اشیا در آیین‌های عاشورایی دارای معانی ویژه‌ای است که به دلیل آمیختگی با فرهنگ دینی جامعه و نظام اعتقادی مردم، به‌گونه‌ای "نمادین" عمل می‌نمایند.

۳-۵. آیین‌های عاشورایی و بعد فعالیت‌ی شهر

اجرای آیین‌های عاشورایی در دورهٔ زمانی چند روزه فرصتی برای باهم بودن، حضور در عرصهٔ فضای شهری و انجام فعالیت‌ی جمعی، فراهم می‌آورد که در آن همه به فعالیت‌ی می‌پردازند که هیچ‌کس آن‌ها را مجبور به چنین کاری نکرده است. گاهی ازدحام جمعیت سبب می‌شود که ساعت‌ها در انتظار بایستند یا در سخت‌ترین شرایط محیطی به آن ادامه دهند. آیین‌های عاشورایی حرکتی خود هدایت‌شونده و جمعی و حاصل جنبش و حرکتی همگانی، برای برآورده ساختن نیازهای فرهنگی جامعه است.

از مهم‌ترین جنبه‌های این حضور جمعی آن است که پذیرای اقشار مختلف جامعه است که در کنار یکدیگر و با تقسیم‌بندی مشخص در فعالیت، به اجرای آیین‌ها می‌پردازند. در نتیجه، اجرای آیین‌ها به‌نوعی ایجاد "قلمروی همگانی" برای حضور افراد جامعه و پرداختن به "تعاملات اجتماعی" در فضای شهری است.

هنگام اجرای آیین‌های عاشورایی فعالیت‌های معمول شهر، که در چارچوب مشخصی در حال انجام بوده‌اند، از هم گسیخته می‌شوند و شکلی دیگر به‌خود می‌گیرند. کاربری‌های ثابت موجود در فضاهای شهری دست از فعالیت می‌کشند و همگی با یکدیگر به اجرای رفتارها و فعالیت‌های متفاوت آیینی می‌پردازند، یا به‌نظاره آن می‌نشینند. مهم‌ترین وجه بارز این دگرگونی و گوناگونی در رفتار، "آزادی فعالیت" شهروندان در فضای شهری است. در زمان برگزاری آیین‌های عاشورایی



نمودار شماره ۴: اصول مورد توجه در طراحی و سازمان‌دهی فضاهای آیینی در شهر

پی‌نوشت‌ها

1. legibility&Recognizability
2. Security
3. Evocation
4. Attachment&Affiliation
5. Meaning
6. Desirability

فهرست منابع و مراجع

۱. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. الیاده، میرچا (۱۳۷۵)، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، انتشارات سروش، چ اول، تهران.
۳. ----- (۱۳۷۲)، رساله‌ای در تاریخ ادیان، مترجم جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران.
۴. بحرینی، حسین (۱۳۷۷)، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۵. بلوکباشی، علی (۱۳۸۳)، نخلگردانی، نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۶. بیتس، دانیل و فرد پلاک (۱۳۷۵)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علیم، تهران.
۷. بیکن، ادموند (۱۳۸۶)، طراحی شهرها، ترجمه فرزانه طاهری، انتشارات مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چ دوم، تهران.
۸. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۲- از کمیت تا کیفیت، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۹. ----- (۱۳۸۹)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳- از فضا تا مکان، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۱۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۲)، دین پژوهی، دفتر اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۱۱. دورکهایم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، تهران.

فضاهای عمومی شهر را خوانا، با معنا و هویت‌بخش می‌کند و احساس تعلق به مکان را در شهروندان تقویت می‌نماید.

- آیین‌های عاشورایی به مثابه کنش و فعالیت آزاد، همگانی و مردمی، سبب بروز تعاملات اجتماعی آزاد در فضاهای عمومی می‌شود، محله‌محوری را تقویت می‌نماید و شهر را برخوردار از منافعی نظیر تمرین مشارکت، وحدت جمعی و نظم و هم‌چنین توسعه گردشگری می‌کند.

بعد کالبدی شهر	بعد معنایی شهر	بعد فعالیتی شهر
مطلوبیت فضای همگانی	نمادین بودن	محله محوری
انطباق فضایی	خوانایی	مشارکت
سلسله مراتب	معنابخشی	وحدت اجتماعی
ارتباط و اتصال شبکه‌ها و فضاها	دل‌بستگی به مکان	نظم
انسجام کالبدی	هویت بخشی	مردمی بودن و خودانگیزگی
	خاطره انگیزی	قلمرو همگانی
	منظر آرای و بزه	آزادی در فعالیت
	حس وحدت	تعامل اجتماعی و پویایی در فضا
	رنگ تعلق	
	تنوع بصری	
	غنا بصری و حسی	

نمودار شماره ۴: هنجارهای تأثیرگذار آیین‌های عاشورایی بر ابعاد سه‌گانه شهر ایرانی

اثرات برجای مانده از آیین‌های جمعی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین معیارهای کیفیت‌بخشی به فضای شهری به‌شمار می‌آیند که از جمله اهداف اصلی طراحی هر فضای جمعی محسوب می‌شود. اما آیین‌ها فعالیت موقتی هستند و نمی‌توان انتظار داشت که هر شهر و فضایی همواره بستر چنین فعالیت‌هایی باشد. بنابراین باید در نظر داشت هر چند آیین پایان می‌پذیرد، آثار مثبت و کیفیت‌بخش آن می‌تواند با ارائه راه‌کارهای صحیح طراحانه و مدیریتی، در فضاهای شهری مداوم و ماندنی گردد. بنابراین در تهیه طرح‌های شهری و ارائه راه‌کارهای کلان برای طراحی فضای شهری با در نظر گرفتن موضوع پژوهش و کاربرد آن در نمونه‌های مشابه از آیین‌ها، توجه به چند اصل و هدف ضروری است:

- انطباق فضایی (تناسب فضا و فعالیت)،
- بازسازی حرکت‌های جمعی،
- افشا و به نمایش گذاشتن معانی و اشتراکات ذهنی،
- جذب انبوه مردم،
- حذف تفکیک فعالیتی،
- افزایش فعالیت‌های مشترک،
- مدیریت شهری کارآمد (برنامه‌ریزی و تنظیم فضایی و زمانی).

۳۷. گیویان، عبدالله (۱۳۸۵)، «آیین، آیینی سازی و فرهنگ عامه پسند دینی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۵، صفحات ۱۷۹-۲۱۱.
۳۸. محمدی علیرضا و مجید روستا (۱۳۸۷)، «توسعه اجتماع محور؛ سازوکاری برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی»، *فصلنامه هفت شهر*، ش ۲۳.
۳۹. مسعودی نژاد، رضا (۱۳۸۸)، «پویایی آیین عاشورا در شهرهای ایران در طی دگرگونی مدرن»، *فصلنامه پل فیروزه*، ش ۱۸، صفحات ۸۳-۹۲.
۴۰. نصرآبادی، مجید (۱۳۸۸)، «نوروز، تلاقی زمان مقدس با زمان نامقدس: مروری کوتاه بر بنیان نگری و ریخت شناسی نوروز»، *مجله اینترنتی آفتاب*.
۴۱. یاراحمدی، جهانشیر (۱۳۸۷)، «نمایش‌های سنتی و شاخصه‌های منحصر به فرد آن در بوشهر»، *فصلنامه تئاتر*، ش ۸-۱۸.
42. Bocoock.R. (1974), **Ritual in industry society**, Allen and Inwin, London.
43. Bornberg, Renate (2007), "Categorising public open space", *Journal of Comparative Cultural Studies in Architecture*.
44. Douglas, M. (1968), **The Component of Ritual**, In New Blackfriars, June, pp 475-482.
45. Drechsler, Wolfgang (2006), **The Contrade, The Palio, And The Ben commune: Lessons from Siena**, Tallinn University of Technology, Trames.
46. Douglas, M. (1968,) **The Component of Ritual**, In New Blackfriars
47. Durkheim, E. (1956), **Education and sociology**, Glencoll, Free Press.
48. Egli, Emil (1959), **Europe from the air**, B.1.
49. Goody, E. (1977), **Against "ritual" Loosely structured thoughts on a Loosely defined topic**, In S.F.Moore & B.G.myerhoff (Eds), *Secular ritual*, Amsterdam, Van Gorcum.
50. Gutschow, Neils (1980), **Squares of the Bhakhtapur**, in AARP 17.
51. Halprin, Lawrence (1972), *Cities*, The MIT Press, Massachusetts.
52. Jackson, Philippa and Fabrizio Nevola (2006), **Beyond the Palio: urbanism and ritual in Renaissance Siena**, Journal compilation: The Society for Renaissance Studies, Vol. 20 No. 2.
53. Kanekar, A. Arati, K. (1992), **Celebration of place ; Processional Rituals and Urban Form**, Massachusetts Institute of Technology, Department of Architecture.
54. Parkin, D. (1992), **Ritual as Spatial Direction and Bodily Division**, in Decoppet (Ed.), *Understanding Ritual*, New Fetter Lane : Routledge, pp 11-25, London.
55. Parke, H.W. (1977), **Festivals of the Athenians**, Ithaca and London.
56. Turner, Victor (1966), **The Ritual process :structure and anti-structure**, Cornell paperbacks, Cornell University Press, Ithaca, New York.
57. Turner, Victor (1984), **The Anthropology of performance, Performing Arts Journal Publications**, New York.

۱۲. راپاپورت، آموس (۱۳۶۶)، *منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی*، ترجمه راضیه رزاعده، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۳. رودنیولر، اریک. دبلیو (۱۳۸۷)، *ارتباطات آیینی: از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده*، ترجمه دکتر عبدالله گیویان، دانشگاه امام صادق: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، چ اول، تهران.
۱۴. رهبین، آرمین و محمدعلی رحیمی (۱۳۸۳)، *ریشه‌های نمایش در آیین‌های ایران باستان*، نشر اهورا، تهران.
۱۵. ریمون، آرون (۱۳۶۳)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ اول، تهران.
۱۶. زیتنه، کامیلو (۱۳۸۵)، *ساخت شهر براساس مبانی هنری*، ترجمه فریدون قریب، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷)، *ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن*، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، تهران.
۱۸. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، *انسان شناسی شهری*، نشرنی، تهران.
۱۹. کوزر، لوئیس (۱۳۸۷)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چ دوم، انتشارات علمی، تهران.
۲۰. گل، یان (۱۳۸۷)، *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*، ترجمه شیما شصتی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه شناسی*، منوچهر صبوری، نشرنی، تهران.
۲۲. لینچ، کوین (۱۳۸۱)، *تئوری فرم شهر*، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، تهران.
۲۳. ----- (۱۳۷۴)، *سیمای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۴. مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، *طراحی فضای شهری*، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه، تهران.
۲۵. معصومی اشکوری، سیدحسن (۱۳۸۵)، *اصول ومبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، نشر پیام، تهران.
۲۶. موریس، جیمز، (۱۳۸۵)، *تاریخ شکل شهر؛ تا انقلاب صنعتی*، ترجمه راضیه رزاعده، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۲۷. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۶)، *معنا در معماری غرب*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
۲۸. ----- (۱۳۸۴)، *مفهوم سکونت: بسوی معماری تمثیلی*، ترجمه محمود امیر یاراحمدی، نشر آگه، چ دوم، تهران.
۲۹. ----- (۱۳۸۱)، *هستی، فضا، معماری*، ترجمه محمدحسن حافظی، انتشارات و کتابفروشی تهران، تهران.
۳۰. هال، ادوارد تی (۱۳۸۷)، *بعد پنهان*، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، تهران.
۳۱. یونگ، کارل (۱۳۷۲)، *روانشناسی ضمیر ناخودآگاه*، مترجم محمد علی امیری، نشر آموزش اسلامی، تهران.
۳۲. حبیب و دیگران (۱۳۸۸)، «رویکردی تحلیلی به تعامل بین آیین‌های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای ایرانی (نمونه موردی: شهر زنجان)»، *نشریه هنرهای زیبا*، ش ۳۹، ص ۱۱۷-۱۲۶.
۳۳. مشکلائی، نازنین (۱۳۹۰)، *طراحی شهری محور فرهنگی آیینی سی تیر*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۴. شهبازی، محمدرضا (۱۳۸۷)، «آیین و مراسم نمایش واره‌ای در بختیاری»، *فصلنامه تئاتر*، ش ۴۲ و ۴۳، صفحات ۵۵-۶۶.
۳۵. عابدی، حمید (۱۳۸۵)، «رسوم آیینی و ارزش‌های اخلاقی»، *فصلنامه حدیث زندگی*، ش ۲۹، صفحات ۲۶-۲۹.
۳۶. غراب، ناصرالدین (۱۳۸۳)، «آیین: حقیقت خاموش»، *ماهنامه شهرداری‌ها*، سال پنجم، ش ۵۹، صفحات ۱۷-۱۹.